

نگاهی به اظهار نظر وزیر آموزش و پرورش
در مورد پخش موسیقی در مدارس

آقای وزیر!

جای نشاط در مدرسه کجاست؟

نیاز اقتصاد ایران

علی سرز عیم، اقتصاددان تشریح می کند

۱۰ روایت توسعه نیافتگی ایران

از کشورها قانون مشروطه، مجلس، ثبت احوال، بانک، بورس، بیمه، نهادهای مالی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، دانشگاه و... داشته. وقتی همه نهادهای خوب را برای توسعه داریم...

گرم هستند و اما ایران هم در منطقه جغرافیایی خوبی قرار دارد، به دلیل پول نفت، سرمایه دارد، به فناوری دسترسی داشته، کمبود نیروی کار نداشته و نهادهایی که یک کشور مدرن را ایجاد می کند را دارد، ایران زودتر از بسیاری

بهتری هستیم. بسیاری از کشورها که نهادهای توسعه و رشد اقتصادی را ندارند، اگر توسعه نداشته باشند، عجیب نیست. مناطقی که به دریای آزاد ارتباط ندارند، سرمایه ندارند در منطقه جغرافیایی بدی هستند پیش از حد سرد یا

چرا ایده توسعه در ایران اجرایی نمی شود؟ کتابی با همین معنای نام «معمای توسعه نیافتگی» در دست انتشار دارم که تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد و واقع آن است که مردم ایران به دلایل مختلف معتقدند ما شایسته وضع

تجولات اخیر منطقه و افزایش اقدامات تحریک آمیز اسرائیل بار دیگر این پرسش را در فضای سیاسی ایران برجسته کرده است که آیا کشور در آستانه یک درگیری

نظامی قرار دارد یا خیر؟ ارزیابی دقیق شرایط نشان می دهد که با وجود فضای پرتنش، هیچ یک از بازیگران اصلی - ایران، اسرائیل و امریکا - در موقعیتی نیستند که آغازگر جنگی جدید باشند. این جمع بندی نه از خوش بینی، بلکه از تحلیل واقع بینانه ظرفیت ها، محدودیت ها و محاسبات راهبردی طرف ها ناشی می شود.

۱- چرا جنگ محتمل نیست؟ در شرایط کنونی، سه عامل اساسی مانع از آغاز جنگی گسترده است: اسرائیل درگیر بحران های داخلی، فشارهای بین المللی و محدودیت های عملیاتی است. گشودن جبهه ای جدید علیه ایران، ریسک هایی دارد که تل آویو در این مقطع توان مدیریت آن را ندارد. ایران نیز با وجود آمادگی دفاعی، تمایلی به ورود به جنگی پرهزینه ندارد؛ جنگی که می تواند مسیر توسعه اقتصادی و ثبات منطقه ای را مختل کند. امریکا درگیر اولویت های داخلی و رقابت های ژئوپلیتیک با چین و روسیه است و از هرگونه درگیری جدید در خاورمیانه پرهیز می کند. با این حال، پایین بودن احتمال جنگ - حتی اگر کمتر از ۱۰ درصد باشد - به معنای صفر بودن آن نیست. در محیطی که سوء محاسبه، اقدام اشتباه زده یا حادثه ای غیرمنتظره نیز می تواند بحران ساز شود، بی توجهی به این احتمال خطایی راهبردی خواهد بود.

یادداشت- ۱

دیپلماسی ابزار ضروری مدیریت بحران



حسن پیششی، پور

تجولات اخیر منطقه و افزایش اقدامات تحریک آمیز اسرائیل بار دیگر این پرسش را در فضای سیاسی ایران برجسته کرده است که آیا کشور در آستانه یک درگیری نظامی قرار دارد یا خیر؟ ارزیابی دقیق شرایط نشان می دهد که با وجود فضای پرتنش، هیچ یک از بازیگران اصلی - ایران، اسرائیل و امریکا - در موقعیتی نیستند که آغازگر جنگی جدید باشند. این جمع بندی نه از خوش بینی، بلکه از تحلیل واقع بینانه ظرفیت ها، محدودیت ها و محاسبات راهبردی طرف ها ناشی می شود.

۱- چرا جنگ محتمل نیست؟ در شرایط کنونی، سه عامل اساسی مانع از آغاز جنگی گسترده است: اسرائیل درگیر بحران های داخلی، فشارهای بین المللی و محدودیت های عملیاتی است. گشودن جبهه ای جدید علیه ایران، ریسک هایی دارد که تل آویو در این مقطع توان مدیریت آن را ندارد. ایران نیز با وجود آمادگی دفاعی، تمایلی به ورود به جنگی پرهزینه ندارد؛ جنگی که می تواند مسیر توسعه اقتصادی و ثبات منطقه ای را مختل کند. امریکا درگیر اولویت های داخلی و رقابت های ژئوپلیتیک با چین و روسیه است و از هرگونه درگیری جدید در خاورمیانه پرهیز می کند. با این حال، پایین بودن احتمال جنگ - حتی اگر کمتر از ۱۰ درصد باشد - به معنای صفر بودن آن نیست. در محیطی که سوء محاسبه، اقدام اشتباه زده یا حادثه ای غیرمنتظره نیز می تواند بحران ساز شود، بی توجهی به این احتمال خطایی راهبردی خواهد بود.

یادداشت- ۲

۲- ضرورت فعال سازی دیپلماسی: در چنین شرایطی، دیپلماسی نه یک انتخاب لوکس، بلکه ابزار ضروری مدیریت بحران است. اگر تنش ها مهمل نشوند، حتی احتمال های کوچک نیز می توانند به واقعیت تبدیل شوند. دیپلماسی فعال می تواند کانال های ارتباطی را باز نگه دارد، سوء تفاهم ها را کاهش دهد، هزینه های تنش آفرینی را برای طرف مقابل افزایش دهد و مسیرهای کنترل بحران را تقویت کند. این همان منطقی است که براساس آن می توان گفت «هزار ساعت مذاکره بهتر از یک ساعت جنگیدن است.»

۳- مذاکره: نه خوب، نه بد، بلکه ابزار: یکی از نکات مهم، خنثی سازی نگاه ارزشی به مذاکره است. مذاکره نه تقدس دارد و نه مذمت؛ ارزش آن به زمان، هدف و طرف های گفت و گو بستگی دارد. در پرونده ایران و امریکانیز تا زمانی که دو طرف در رویکردهای خود تجدیدنظر نکنند، انتظار توافقی جدید واقع بینانه نیست. اما این به معنای کنار گذاشتن مذاکره نیست؛ بلکه به معنای ضرورت طراحی چارچوبی دقیق تر، شفاف تر و قابل راستی آزمایی است برای اینکه تنش کنونی مدیریت شود.

۴- اهمیت ساز و کارهای اجرایی در توافقات: یکی از ضعف های تاریخی بسیاری از توافقات بین المللی، نبود ساز و کارهای روشن برای اجرایی تعهدات، نظارت بر پایبندی و تعیین هزینه نقض توافقی است. باید توافق به گونه ای تنظیم شود که اگر طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرد، از پیش مشخص شود چه اقداماتی انجام خواهد شد. باید توجه داشت که مذاکره موفق تنها محصول گفت و گو نیست؛ بلکه نتیجه طراحی دقیق ساز و کارهای اجرایی بعد از توافق است.

۵- ایران و راهبرد ثبات سازی: ایران در سال های اخیر نشان داده که به دنبال حفظ منافع ملی و جلوگیری از بی ثباتی منطقه ای است. این رویکرد نه از موضع ضعف، بلکه از درک هزینه های سنگین جنگ و اهمیت ثبات برای توسعه کشور ناشی می شود. در همین چارچوب، گفت و گو بدون تضمین کامل به نتیجه رسیدن، می تواند چارچوبی برای کاهش تنش و مدیریت بحران ایجاد کند. با گذار از این مباحث در نتیجه گیری می توان گفت در فضای پرتنش منطقه، جنگ محتمل نیست اما خطر آن نیز کاملاً منتفی نشده است. راه حل پایدار نه در تشدید تقابل، بلکه در تقویت دیپلماسی، طراحی ساز و کارهای دقیق توافقات و حفظ کانال های ارتباطی است. در جهانی که یک اشتباه کوچک می تواند به بحرانی بزرگ تبدیل شود، عقلانیت حکم می کند که دیپلماسی میدان بیشتری داشته باشد.

یادداشت- ۴

چرایی تلاطم های ارزی

در وهله نخست باید گفت که قیمت ارز در کشور ما بیش از هر چیز تابع سیاست خارجی و تحولات مرتبط با آن است؛ از جمله تحریم ها، تنش ها، جنگ و درگیری. این عوامل در هر جای دنیا می توانند بر ارزش پول ملی اثر گذار باشند.



مجید زحاری

اگر به دنبال ریشه اصلی نوسانات ارزی هستیم، باید بپذیریم که کشور ما در دو دهه گذشته به طور مستمر درگیر منازعه، تحریم و تنش بوده است. اما پرسش اساسی این است که آیا همه این عوامل به تنهایی می توانند چنین ضربه ای به اقتصاد کشور وارد کنند؟ به نظر من، پاسخ منفی است. اگر ما می توانستیم با روشی متعادل تر با دست کم پایدار تر عمل کنیم و تکلیف خود را مشخص می کردیم که چه الگوی اقتصادی را به عنوان سرمشق پذیرفته ایم، شرایط متفاوت می شد. اینکه اقتصاد ما قرار است مبتنی بر روابط بازار باشد یا یک اقتصاد متمرکز و دولتی که قاعداً در شرایط جنگی، در همه جای دنیا اقتصادها به سمت تمرکز و مداخله بیشتر دولت حرکت می کنند، اما هیچ یک از این مسیرها را به درستی انتخاب نکردیم. در نتیجه، اقتصاد کشور گرفتار تصمیم گیری های محدود و بسته تا سوی گروه های خاصی شده است؛ تیم هایی مشخص که هر زمان به اهرم های کلیدی تصمیم گیری دست پیدا می کنند، با فشار بر دکمه گران سازی، همه چیز را گران می کنند و اسم آن را «اقتصاد بازار» می گذارند. در حالی که واقعاً مشخص نیست این چه نوع بازاری است که امروز شاهد آن هستیم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم، این است که در دو دهه اخیر که دچار کمبود منابع بوده ایم، همواره در پایان سال میلادی و به ویژه در ماه دسامبر، با کمبود منابع ارزی مواجه بوده ایم، موضوع سابقه تاریخی دارد. زمانی که دلار ۱۰۰۰ به ۱۲۰۰ تومان بود، در این مقاطع به ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ تومان می رسید یا زمانی که ۳۵۰۰ تومان بود تا حدود ۳۹۰۰ تومان افزایش می یافت. اما امروز مساله این است که ارزش ربال انقدر کاهش یافته که نوسانات یک تا دو درصدی، به افزایش چندین تومانی نرخ ارز منجر می شود.

همه می دانند که کسری بودجه چگونه بحران می شود، حتی همان هایی که مدعی اند چنین چیزی ممکن نیست. در اقتصادی که حدود ۹۰ درصد از درآمد کشور از نفت و صادرات غیر نفتی است - چه از محل فروش نفت و چه صادرات نفتی - زوال زمانی و از رانندگی پتروشیمی ها، فولادی ها و معادن بزرگ - امکان مدیریت وجود دارد. این شرکت ها عمداً وابسته به نهادهای حاکمیتی، صندوق های بانزینستی، بنیادها و ستادها هستند. بنابراین، این روایت که «همی شود»، بیشتر به یک داستان تاریخی تبدیل شده که سال ها است تکرار می شود.

ادامه در صفحه ۳

غیر این صورت حتی اگر رشد اقتصادی پیدا شود، رشد پایینی خواهد بود. قائلین به این دیدگاه چهره هایی مانند سریع القیم هستند.

۳) فرضیه سوم حول سیاست داخلی است. اینها اعتقاد دارند، سیاست داخلی به دلایل مختلف به مسیری رفته که از توسعه دور افتاد. در واقع توزیع قدرت به نحوی شکل گرفت که کشور نتوانست از همه پتانسیل موجود در ایران خارج از کشور، بروکراسی، سرمایه گذارها و...

استفاده کند. این روایت روی نگاه ایدئولوژیک و مکتبی استوار است. اینها معتقدند نگاه مکتبی محدودیت هایی در روابط خارجی و سیاست های داخلی ایجاد می کند که فرصت های توسعه را محدود می کند.

۵) روایت بعدی مرتبط با افرادی است که فساد را مساله اصلی کشور می دانند. از ابتدای انقلاب فرض کشور بر خوب بودن آدم ها بود و این روند تظاهر را گسترش داد. در این اوضاع، منابع به جای اینکه با دلسوزی صرف کشور شود، صرف رانت خوری شد.

۶) روایت بعدی روایت چپ های عقیدتی است اینها معتقدند برآیند قوا در کشور به شکلی است که فرادست و فرودست ایجاد می کند. منافع فرادستان اساساً در گرو توسعه نیافتگی است، لذا چون قدرت و نفوذ پیدا کرده اند و تعادلی در تصمیمات حکومتی ایجاد کرده اند، وضعیت موجود متغیر می شوند. بر این اساس اینها مانع می شوند تا کشور از تعادل فعلی خارج شود.

محدودیت موقعیت، بازار را ایمن نگه داشته است. حجم معاملات آپشن در سال های اخیر رشد چشمگیری داشته و نقدشوندگی به ویژه روی نمادهای پرنوسان مانند صندوق اهرم که خود اهرم دو برابری نسبت به شاخص دارد، بسیار مناسب است. کاربردهای آپشن متنوع است. خرید کالا برای سفته بازی صعودی، خرید پوت برای سود مستقیم از بازار نزولی یا پوشش ریسک بر نفوی و فروش آپشن برای کسب درآمد ثابت از پرمیوم از جمله موارد رایج هستند. این ابزار امکان ساخت استراتژی های پیچیده مانند اسپریدها، استرادل و آپرون کندور را نیز فراهم می کند که بازدهی پهنه ریسک را کنترل می کنند.

باوجود مزایا، آپشن پیچیدگی هایی دارد. ارزش آن تحت تاثیر قیمت پایه، قیمت اعمال، زمان باقی مانده، نوسان بازار و نرخ بهره است. ریسک اصلی خریدار، زوال زمانی و از رفتن رقت کامل پرمیوم در صورت عدم حرکت مطلوب بازار است. همچنین نقدشوندگی برخی قراردادها هنوز محدود است. در نهایت، آپشن ابزاری حرفه ای برای مدیریت هوشمند سرمایه در بازار پرنوسان ایران است که هم فرصت سود بالا و هم حفاظت در برابر ریسک را فراهم می کند. با گسترش آموزش و نقدشوندگی، این بازار به یکی از ارکان اصلی بورس تهران تبدیل خواهد شد.

در این خصوص مطرح است. معتقدم حتی جناح بندی های سیاسی کشور نیز حول این روایت های اقتصادی و توسعه نیافتگی شکل می گیرد. کما اینکه در دهه ۲۰۰۰ نخستین شکاف سیاسی حول یک موضوع اقتصادی ایجاد شد. شاید مخاطبان جوان تر ندانند که نخستین جناح بندی سیاسی در ایران حول محور اقتصاد و یک تصمیم اقتصادی دولت بود. موضوعاتی حول محور دولت، قانون کار، مساله تجارت خارجی، قیمت گذاری ها و... از جمله این موارد بودند. قفه سستی می گفت: نه، دولت نمی تواند دخالت کند. قفه انقلابی می گفت: بله، می تواند. بین روایت های همین جا شکاف ایجاد شد. امروز هم نیروهای سیاسی حول این پاسخ ها و این ۱۰ روایت شکل می گیرد.

۱) یکسری از روایت ها نظیر به افرادی است که اعتقاد دارند، مساله توسعه نیافتگی ایران به اجرای الگوی سرمایه داری و نظام اقتصادی بازار بازمی گردد. کسانی که با عنوان نهاد گرایان ایرانی یا نهاد گرایان وطنی فعالیت دارند. اینها می گویند چون این الگوی اقتصادی با اقتصاد ایران سازگار نبود، منابع را دور داد و نتوانست موتور پیشران برای اقتصاد ایران شود. هم چپ اسلامی و هم چپ غیر اسلامی ذیل این دسته قرار می گیرند. زمان بسیار مشخصی برای معاصر مهندسی میر حسین موسوی به این تفکر نزدیک بود.

۲) دیدگاه دیگری مسائل ایران را ذیل مسائل خارجی می بیند. اینها معتقدند اگر کشور می خواهد توسعه اقتصادی پیدا کند، باید یک تجارت وسیع جهانی داشته باشد و از همه پتانسیل های بین المللی استفاده کند. در

دیدگاه های رایج درباره این سوال را بگویم، یک مرور تاریخی کوتاه می کنم. از زمانی که داده های رسمی شکل به نام «معمای توسعه نیافتگی» در دست انتشار دارم که تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد، واقع آن است که مردم ایران به دلایل مختلف معتقدند ما شایسته وضع بهتری هستیم. بسیاری از کشورها که نهادهای توسعه و رشد اقتصادی را ندارند، اگر توسعه نداشته باشند، عجیب نیست. مناطقی که به دریای آزاد ارتباط ندارند، سرمایه ندارند، به فناوری دسترسی ندارند، اگر توسعه نداشته باشند، عجیب نیست. مناطقی که به دریای آزاد ارتباط ندارند، سرمایه ندارند، در منطقه جغرافیایی بدی هستند، پیش از حد سرد یا گرم هستند و... اما ایران هم در منطقه جغرافیایی خوبی قرار دارد، به دلیل پول نفت، سرمایه دارد، به فناوری دسترسی دارد، کمبود نیروی کار نداشته و نهادهایی که یک کشور مدرن را ایجاد می کند را دارد. ایران زودتر از بسیاری از کشورها قانون مشروطه، مجلس، ثبت احوال، بانک، بورس، بیمه، نهادهای مالی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، دانشگاه و... داشته. وقتی همه نهادهای خوب را برای توسعه داریم، توقع این است که توسعه هم در ایران محقق شود. مثل اینکه همه مواد اولیه خوب و وجود داشته باشد، اما غذا خوشمزه نشود. برون داد وضع موجود در مقایسه با همسایگان و سایر کشورها نشان می دهد که ایران از توسعه جامانده است. اما باید دید از این توسعه نیافتگی در ایران چیست؟ این سوال بسیار کلان است. قبل از اینکه

۱- اختیار خرید (Call Option) یا کال آپشن): خریدار این قرارداد حق دارد در آینده با قیمت سر رسید باقیمت اعمال (Strike Price) مشخص بخرد. این نوع آپشن زمانی ارزشمند می شود که معامله گر پیش بینی کند قیمت دارایی پایه در آینده افزایش خواهد یافت. اگر در سر رسید قیمت بازار بالاتر از قیمت اعمال باشد، خریدار می تواند در آینده با قیمت پایین تر بخرد و فوراً در بازار گران تر بفروشد و سود کند. اگر پیش بینی اشتباه باشد و قیمت رشد نکند، خریدار صرفاً از اجرای حق خود صرف نظر می کند.

۲- اختیار فروش (Put Option) یا پوت آپشن): خریدار حق دارد در آینده با قیمت اعمال در سر رسید بفروشد. این آپشن برای مواقعی مناسب است که انتظار کاهش قیمت وجود دارد. اگر قیمت بازار افت کند، خریدار می تواند در آینده با قیمت بالاتر (قیمت اعمال) بفروشد و سود کند. پوت آپشن نقش مهمی در حفاظت از سرمایه ایفا می کند و مانند بیمه ای عمل می کند که در برابر سقوط بازار سرمایه ایجاد می کند.

ویژگی بارز و جذاب آپشن، پرداخت پرمیوم یا حق بیمه توسط خریدار است. این مبلغ تنها هزینه خریدار است و در ازای آن حق انتخاب در یافت می کند. حداکثر ضرر

چرا ایده توسعه در ایران اجرایی نمی شود؟ کتابی با همین معنای نام «معمای توسعه نیافتگی» در دست انتشار دارم که تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد، واقع آن است که مردم ایران به دلایل مختلف معتقدند ما شایسته وضع بهتری هستیم. بسیاری از کشورها که نهادهای توسعه و رشد اقتصادی را ندارند، اگر توسعه نداشته باشند، عجیب نیست. مناطقی که به دریای آزاد ارتباط ندارند، سرمایه ندارند، در منطقه جغرافیایی بدی هستند، پیش از حد سرد یا گرم هستند و... اما ایران هم در منطقه جغرافیایی خوبی قرار دارد، به دلیل پول نفت، سرمایه دارد، به فناوری دسترسی دارد، کمبود نیروی کار نداشته و نهادهایی که یک کشور مدرن را ایجاد می کند را دارد. ایران زودتر از بسیاری از کشورها قانون مشروطه، مجلس، ثبت احوال، بانک، بورس، بیمه، نهادهای مالی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، دانشگاه و... داشته. وقتی همه نهادهای خوب را برای توسعه داریم، توقع این است که توسعه هم در ایران محقق شود. مثل اینکه همه مواد اولیه خوب و وجود داشته باشد، اما غذا خوشمزه نشود. برون داد وضع موجود در مقایسه با همسایگان و سایر کشورها نشان می دهد که ایران از توسعه جامانده است. اما باید دید از این توسعه نیافتگی در ایران چیست؟ این سوال بسیار کلان است. قبل از اینکه

۱- اختیار خرید (Call Option) یا کال آپشن): خریدار این قرارداد حق دارد در آینده با قیمت سر رسید باقیمت اعمال (Strike Price) مشخص بخرد. این نوع آپشن زمانی ارزشمند می شود که معامله گر پیش بینی کند قیمت دارایی پایه در آینده افزایش خواهد یافت. اگر در سر رسید قیمت بازار بالاتر از قیمت اعمال باشد، خریدار می تواند در آینده با قیمت پایین تر بخرد و فوراً در بازار گران تر بفروشد و سود کند. اگر پیش بینی اشتباه باشد و قیمت رشد نکند، خریدار صرفاً از اجرای حق خود صرف نظر می کند.

۲- اختیار فروش (Put Option) یا پوت آپشن): خریدار حق دارد در آینده با قیمت اعمال در سر رسید بفروشد. این آپشن برای مواقعی مناسب است که انتظار کاهش قیمت وجود دارد. اگر قیمت بازار افت کند، خریدار می تواند در آینده با قیمت بالاتر (قیمت اعمال) بفروشد و سود کند. پوت آپشن نقش مهمی در حفاظت از سرمایه ایفا می کند و مانند بیمه ای عمل می کند که در برابر سقوط بازار سرمایه ایجاد می کند.

ویژگی بارز و جذاب آپشن، پرداخت پرمیوم یا حق بیمه توسط خریدار است. این مبلغ تنها هزینه خریدار است و در ازای آن حق انتخاب در یافت می کند. حداکثر ضرر

چرا ایده توسعه در ایران اجرایی نمی شود؟ کتابی با همین معنای نام «معمای توسعه نیافتگی» در دست انتشار دارم که تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد، واقع آن است که مردم ایران به دلایل مختلف معتقدند ما شایسته وضع بهتری هستیم. بسیاری از کشورها که نهادهای توسعه و رشد اقتصادی را ندارند، اگر توسعه نداشته باشند، عجیب نیست. مناطقی که به دریای آزاد ارتباط ندارند، سرمایه ندارند، در منطقه جغرافیایی بدی هستند، پیش از حد سرد یا گرم هستند و... اما ایران هم در منطقه جغرافیایی خوبی قرار دارد، به دلیل پول نفت، سرمایه دارد، به فناوری دسترسی دارد، کمبود نیروی کار نداشته و نهادهایی که یک کشور مدرن را ایجاد می کند را دارد. ایران زودتر از بسیاری از کشورها قانون مشروطه، مجلس، ثبت احوال، بانک، بورس، بیمه، نهادهای مالی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، دانشگاه و... داشته. وقتی همه نهادهای خوب را برای توسعه داریم، توقع این است که توسعه هم در ایران محقق شود. مثل اینکه همه مواد اولیه خوب و وجود داشته باشد، اما غذا خوشمزه نشود. برون داد وضع موجود در مقایسه با همسایگان و سایر کشورها نشان می دهد که ایران از توسعه جامانده است. اما باید دید از این توسعه نیافتگی در ایران چیست؟ این سوال بسیار کلان است. قبل از اینکه



علی سرز عیم

بسیاری از کشورها که نهادهای توسعه و رشد اقتصادی را ندارند، اگر توسعه نداشته باشند، عجیب نیست. مناطقی که به دریای آزاد ارتباط ندارند، سرمایه ندارند، در منطقه جغرافیایی بدی هستند، پیش از حد سرد یا گرم هستند و... اما ایران هم در منطقه جغرافیایی خوبی قرار دارد، به دلیل پول نفت، سرمایه دارد، به فناوری دسترسی دارد، کمبود نیروی کار نداشته و نهادهایی که یک کشور مدرن را ایجاد می کند را دارد. ایران زودتر از بسیاری از کشورها قانون مشروطه، مجلس، ثبت احوال، بانک، بورس، بیمه، نهادهای مالی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، دانشگاه و... داشته. وقتی همه نهادهای خوب را برای توسعه داریم، توقع این است که توسعه هم در ایران محقق شود. مثل اینکه همه مواد اولیه خوب و وجود داشته باشد، اما غذا خوشمزه نشود. برون داد وضع موجود در مقایسه با همسایگان و سایر کشورها نشان می دهد که ایران از توسعه جامانده است. اما باید دید از این توسعه نیافتگی در ایران چیست؟ این سوال بسیار کلان است. قبل از اینکه

یادداشت- ۳

معاملات آپشن یا قراردادهای اختیار معامله، یکی از مدرن ترین و کارآمدترین ابزارهای مالی در بورس تهران به شمار می روند که از سال ۱۳۹۵ به طور رسمی راه اندازی شدند و یک دارایی پایه میان سرمایه گذاران حرفه ای و نهادی جایگاه ویژه ای پیدا کردند. آپشن یک قرارداد استاندارد است که بین خریدار و فروشنده منعقد می شود و به خریدار حق (نه تعهد) می دهد تا یک دارایی پایه مشخص - مانند سهام شرکت ها، واحدهای صندوق های سرمایه گذاری یا حتی کالاها - را در تاریخ معینی در آینده با قیمتی از پیش تعیین شده بخرد یا بفروشد. این ابزار مشتقه، که در بازارهای جهانی حجم تریلیون دلاری دارد، در ایران نیز به تدریج در حال گسترش است و امروزه روی نمادهای پرطرفداری مانند فولاد مبارک، صنایع ملی مس ایران، ایران خودرو، سایپا، بانک ملت و صندوق های اهرمی مانند اهرم امکان معامله می شود. آپشن اساساً دو نوع اصلی دارد که هر کدام برای دیدگاه خاصی از بازار طراحی شده اند:



سعید امیر شاه کرمی

معاملات آپشن یا قراردادهای اختیار معامله، یکی از مدرن ترین و کارآمدترین ابزارهای مالی در بورس تهران به شمار می روند که از سال ۱۳۹۵ به طور رسمی راه اندازی شدند و یک دارایی پایه میان سرمایه گذاران حرفه ای و نهادی جایگاه ویژه ای پیدا کردند. آپشن یک قرارداد استاندارد است که بین خریدار و فروشنده منعقد می شود و به خریدار حق (نه تعهد) می دهد تا یک دارایی پایه مشخص - مانند سهام شرکت ها، واحدهای صندوق های سرمایه گذاری یا حتی کالاها - را در تاریخ معینی در آینده با قیمتی از پیش تعیین شده بخرد یا بفروشد. این ابزار مشتقه، که در بازارهای جهانی حجم تریلیون دلاری دارد، در ایران نیز به تدریج در حال گسترش است و امروزه روی نمادهای پرطرفداری مانند فولاد مبارک، صنایع ملی مس ایران، ایران خودرو، سایپا، بانک ملت و صندوق های اهرمی مانند اهرم امکان معامله می شود. آپشن اساساً دو نوع اصلی دارد که هر کدام برای دیدگاه خاصی از بازار طراحی شده اند: